



بافتینه

اشاره:

روز پیش از انجام این گفت‌وگو جلسه کارگروه الیاف انجمن صنایع نساجی ایران برگزار شده بود و مسائلی مانند تهیه مواد اولیه از پتروشیمی شهید تندگویان، تعامل با بورس کالا و سایر مسائل و چالش‌های مشترک میان تمام شبکه صنایع نساجی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در شرایطی که رئیس جمهور منتخب پیش از مراسم تنفیذ، در جلسه مشترکی که با حضور فعالان صنعتی، تولیدی و اقتصادی در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد؛ به استفاده از ظرفیت‌های تشکلهای بخش خصوصی و همکاری با دولت اشاره کرده بود.

این مصاحبه از همین نقطه آغاز می‌شود یعنی تعامل دولت با نهادهای بخش خصوصی و سپس طرح شرایط تولید الیاف در کشور و ... رئیس هیئت مدیره الیاف بافتینه پارس معتقد است نهادها باید توسط مردم اداره شود و در تعامل با دولت باشند...

به اعتقاد وی بی‌شک بخش خصوصی با اعتبار خود می‌تواند در جذب سرمایه‌گذار خارجی عملکرد بسیار موفقیت‌آمیزی داشته باشد اما سرمایه‌گذار خارجی در بدو امر خواستار تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و همچنین تسهیل تعاملات بانکی و مالی است که دولت باید ضمن تثبیت جایگاه ایران از نظر سیاسی و امنیتی در سطح بین‌المللی، زمینه مناسب برای استقرار ارتباطات پولی و ارزی مثلاً (FATF) را فراهم نماید. به این ترتیب شاهد سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف صنعتی و تولیدی کشور توسط بخش خصوصی خواهیم بود.

سوال اینجاست که دولت چقدر ارزش برای نهادها قائل است و اصولاً در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها پذیرای نظرات و دیدگاه‌های آنان است؟ نهادها باید توانمند و قدرتمند باشند یا وظیفه دولت است که به بالندگی و رشد آنها کمک کند؟

به اعتقاد من در حوزه توسعه، دولت باید بستر ایجاد نهادهای موثر را فراهم کند و جهت ایجاد یک نظام هماهنگ و سیستماتیک به تدوین قوانین و سیاستگذاری‌ها بپردازد. اما مهم‌ترین نکته، مشارکت مردم برای حضور در نهادهاست.

برای مثال اگر در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، شاهد حضور گسترده مردم نبودیم، تغییری اتفاق نمی‌افتاد. دولت به رفتار و کنش مردم توجه می‌کند و اگر متوجه عدم تمایل مردم برای تغییر شرایط موجود شوند؛ گامی در مسیر ایجاد تحولات برنخواهد داشت؛ به این ترتیب سیستم به



میان چیست؟ بسترسازی لازم، ارائه مجوزهای مرتبط، حمایت در حوزه‌های مالی و قراردادی با شرکت توزیع برق و ... به نظرم مردم و دولت هر دو باید وارد میدان شوند

منتها از یک سو مردم به گلایه بسنده می‌کنند و «کاری انجام نمی‌دهند» از سوی دیگر دولت فرصتی برای فکر کردن به بسیاری از موضوعات ندارد چون سرگرم امورات دیگری است و هیچ‌گاه مطالبه یا حرکت جدی در مورد مسائل گوناگون از سوی مردم مشاهده نکرده است.

اتخاذ تدابیر اساسی فقط برعهده دولت نیست دولت در حوزه اجرا با محدودیت‌های بسیاری روبروست، منابع، ساختار، تفکر و دسترسی مناسب ندارد و اتفاقاً بهترین فرصت برای بخش خصوصی فراهم شده تا از این خلأ بزرگ، نهایت استفاده را به عمل آورد. مطالبه بخش خصوصی در یک نکته خلاصه می‌شود «اجازه بدهد ما کار کنیم»، پس زمینه‌های کار را فراهم کنند، ریل‌گذاری لازم را انجام دهند تا بخش خصوصی با خیال آسوده و بدون نگرانی و محدودیت به مراودات تجاری و اقتصادی در داخل و فرامرزی بپردازد.

بی‌شک بخش خصوصی با اعتبار خود می‌تواند در جذب سرمایه‌گذار خارجی عملکرد بسیار موفقیت‌آمیزی داشته باشد اما سرمایه‌گذار خارجی در بدو امر خواستار تأمین امنیت سرمایه‌گذاری و همچنین تسهیل تعاملات بانکی و مالی است که دولت باید ضمن تثبیت جایگاه ایران از نظر سیاسی و امنیتی در سطح بین‌المللی، زمینه مناسب برای

و چه آسیب‌های مالی، اجتماعی، روانی و انگیزشی بابت این توقف بر صنایع کشور وارد می‌شود؟ در حال حاضر واحدهای صنعتی با قطعی برق مواجهند، مدیران ارشد با زیان‌های مالی بابت هر روز قطعی برق روبرو می‌شوند، آسیب روانی به وجود می‌آورد چون کارگر به دلیل سرخوردگی در محیط کار، فرصتی برای عرض اندام پیدا نمی‌کند؛ آسیب اجتماعی به وجود می‌آید چون تمام این موارد از نظر اقتصادی بر جامعه سربار می‌شوند؛ آسیب انگیزشی ایجاد می‌کند برای این که یک صنعتگر نمی‌تواند به راه‌اندازی واحد جدید و اجرای طرح‌های توسعه‌ای فکر کند چون واحد صنعتی فعلی خود را به اصطلاح با چنگ و دندان حفظ کرده است.

به نظرم قطعی مکرر برق واحدهای صنعتی بیشتر از آنچه به نظر می‌رسد؛ اثرات مخرب و فراگیر دارد حتی در صورت مکاتبه با سازمان برق و یا شکایت به محاکم قضایی بابت بروز خسارت، هیچ مشکلی حل نخواهد شد. متأسفانه بخش صنعت به شدت درگیر این قبیل مسائل است و باید تدابیر اساسی برای رفع آن اتخاذ کرد.

*تدابیر اساسی را دولت باید اتخاذ کند یا نهادهای بخش خصوصی؟

هر کسی باید نقش خود را ایفا کند. مدتی است که درگیر مسائل مربوط به اجرای پروژه ۱۵ مگاواتی انرژی خورشیدی هستیم، دولت که این کار را به طور مستقیم انجام نمی‌دهد پس باید به‌عنوان بخش خصوصی، پا پیش بگذاریم اما نقش دولت در این

ایجاد نهاد می‌پردازد؛ نهادهای که در خدمت محض دولت قرار خواهد گرفت.

در حال حاضر بزرگ‌ترین چالشی که از نظر سیاسی و اجتماعی با آن مواجهیم، فاصله ایجادشده بین دولت و ملت است، در حالی که دغدغه فعالان حوزه تولید و صنعت، مسائل مرتبط با اقتصاد و تجارت و بهره‌مندی از مشارکت مردم در این حوزه‌هاست لذا معتقدم مردم نباید پاپس بکشند و شاهد افزایش حضور آنان در نهادهای صنفی باشیم.

انجمن صنفی صنایع نساجی ایران دارای ساختار، اساسنامه، تشکیلات سازمان‌یافته است که اگر به‌عنوان یک فعال صنعتی عضو آن باشیم، پس قرار است شاهد حضور چه کسانی باشیم؟ کسانی که با ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی وارد انجمن می‌شوند یا افرادی که تمایل به مجادله و ایجاد مسائل حاشیه‌ای در یک تشکل تخصصی دارند؟

همان‌طور که می‌دانید سالیان متمادی در اتاق بازرگانی ایران شاهد حضور پررنگ دولتی‌ها بودیم و دولت بیشترین سهم را در مدیریت و اداره پارلمان بخش خصوصی ایفا می‌کرد ولی خوشبختانه به تدریج اتاق بازرگانی ایران در مسیر صحیح خود قرار گرفته و به جایگاه موثر خود در سیاست‌گذاری‌ها، تسهیل‌گری، مشاوره، برنامه‌ریزی و توسعه پی برده است. اگر قرار باشد جلسات اتاق بازرگانی به صورت تشریفاتی برگزار شود پس اثربخشی و نظرات بخش خصوصی در حوزه‌های سیاست‌گذاری چه خواهد شد؟

در برخی موارد معتقدم نباید نگرش صفر و یک نسبت به مسائل داشته باشیم مثلاً نمی‌توانیم در تقابل با دولت قرار بگیریم. گاهی اوقات باید اجازه دهیم دولت نیز نقش سیاست‌گذاری و قانونگذاری خود را ایفا کند و در واقع انعطاف‌پذیری میان دولت و نهادهای بخش خصوصی رخ دهد در غیر این صورت هر کدام مشغول فعالیت‌های خود می‌شوند بدون این که توجهی به اهداف و ضرورت‌های توسعه داشته باشند!

به طور کلی طی ۲۵-۲۰ سال اخیر، حوزه‌های اقتصاد و توسعه بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند. اجازه دهید این سوال را مطرح کنم؛ چرا کمبود برق داریم؟ چرا صنایع کشور به دلیل کمبود برق متوقف

جهانی گام برداریم.

همچنین به «توسعه پایدار» توجه ویژه نشان دهیم و دولت باید سیاست‌ها و راهبردهای اساسی چنین رویکردهایی را فراهم نماید تا نهادهای بخش خصوصی بیشتر به مشارکت، واگذاری و تنظیم‌گری رویکردهای مذکور بپردازند. به اعتقاد من تحت هیچ شرایطی نمی‌بایست یک تولیدکننده یا فعال صنعتی برای امور کاری خود به دولت مراجعه کند بلکه باید خواسته خود را با نهادها و تشکلهای تخصصی بخش خصوصی در میان بگذارد اما در کشور ما، مراجعه مستقیم مردم به دولت و نبود نهادها منجر به بزرگ شدن حجم دولت شده است در حالی که باید بخشی از وظایف خود را به نهادها واگذار کند اگرچه در زمینه برخی واگذاری‌ها موفق عمل شده است. مثلاً در گذشته دریافت و یا تعویض شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه و... زمان بر بود، ولی با برون سپاری امور مربوطه به دولت الکترونیک و پلیس+۱۰ و... هم در روند امور تسریع گردید و هم برای دولت هزینه کمتری در بردارد دولت فقط نقش نظارتی و کنترلی پیدا کرده است. براین اساس در حوزه صنعت نساجی هم باید شاهد شکل‌گیری چنین مکانیسمی باشیم.

دفتر صنایع منسوجات و پوشاک وزارت صنعت علی‌رغم تلاش‌های فراوان مدیران و کارشناسان توانمند مربوطه، نمی‌تواند پاسخگوی مسائل و مشکلات تمام صنعتگران نساجی از سراسر ایران باشند که بهتر است این امور به انجمن صنفی صنایع نساجی ایران واگذار شود و انجمن با تقویت کارگروه‌های تخصصی خود امور را پیش ببرد. تنها راه توسعه همین است که، نه تنها آرمان‌گرایانه نیست بلکه قابل اجرا و اشاعه می‌باشد.

«به اعتقاد شما دولت چهاردهم در گام نخست برای حوزه تولید و صنعت باید چه سیاست‌ها و تدابیری اتخاذ نماید؟»

اگر دولت جدید بخواهد در حوزه توسعه صنعتی و اقتصادی طبق نیازها و انتظارات مردم حرکت کند، اصلاح سیاست‌های کلان و بالادستی و همینطور افزایش سهم نهادهای بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌ها و تقویت آنهاست، بخشی از



همه جانبه آمریکا از هند (با هدف ایجاد رقیب بلامنازع برای چین در منطقه)، امور مربوط به لجستیک و شاهراه‌های تجاری دنیا و... باعث شده زمینه بسیار ممتنی برای بهره‌گیری ایران به وجود آید منتها هنر کشور ماست که از چنین فرصتی نهایت استفاده را به عمل آورد و به تثبیت جایگاه خود در سطح جهانی بپردازد. قابلیت رشد و توسعه صنعتی در ایران بسیار بالاست اما چگونه می‌توان این قابلیت را به عمل تبدیل کرد؟

طی چند سال اخیر میزان تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) حدود ۳۰۰ تا ۴۵۰ میلیارد دلار بدون هیچگونه رشدی باقی مانده است؛ در ۲۰ سال گذشته از دنیا عقب مانده‌ایم و نیاز توسعه‌ای ما حدود سه هزار (۳۰۰۰) میلیارد دلار است یعنی ۸ برابر وضعیت فعلی! در واقع تشنه توسعه هستیم و در بعضی بخش‌ها از رقابت‌های منطقه‌ای عقب مانده‌ایم مانند پیشرفت‌های چشمگیر ترکیه در انحصار بازارهای بین‌المللی، یا قدرت‌نمایی قطر، عربستان و دوی در حوزه گاز، نفت و... اگرچه در برخی بخش‌های انرژی همچنان بیشترین پتانسیل برای رشد و توسعه را در اختیار داریم.

قاعدتاً رسیدن به رقم ۳ هزار میلیارد دلار، کار یک سال و دو سال نیست و حداقل به بیش از ۱۰ سال زمان نیاز دارد. دولت که امکانات مالی خاصی برای سرمایه‌گذاری ندارد بنابراین باید در کشورهای کشور به روی سرمایه‌های خارجی باز و بخش خصوصی (مردم، تولیدکنندگان، صنعتگران و امثالهم) وارد میدان شوند و در زمینه توسعه، همسو با ترندهای

استقرار ارتباطات پولی و ارزی مثلاً (FATF) را فراهم نماید. به این ترتیب شاهد سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف صنعتی و تولیدی کشور توسط بخش خصوصی خواهیم بود.

«این روایت از تأمین امنیت سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد بسترهای لازم برای فعالان بخش خصوصی توسط دولت در فضای امروز کشور که با انواع و اقسام تحریم‌های خارجی و خودتحریمی‌ها روبروست، روایت صرفاً آرمان‌گرایانه و ایده‌آل‌مآبانه نیست؟ شاید اگر در شرایط متعادل و عادی به سر می‌بردیم، صحبت از ریل‌گذاری دولت و تثبیت جایگاه کشور در بازارهای جهانی به مراتب باورپذیرتر بود! اگر بخواهیم نگاه واقعی نسبت به شرایط داشته باشیم (بدون سیاه‌نمایی یا خوشبینی محض) نکاتی که در بالا به آنها اشاره کردید؛ عینی و ملموس به نظر می‌رسد؟»

این مطالب نه تنها آرمان نیست بلکه ضرورت، نیاز، درخواست و واقعیتی است که باید زمینه‌های تحقق آن را فراهم کنیم. دولت باید زمینه تجارت در حوزه اقتصاد بین‌الملل را برای بخش خصوصی فراهم کند و امیدواری و امنیت خاطر برای فعالان صنعتی فراهم نماید تا با اطمینان به توسعه و افزایش سرمایه‌گذاری بپردازند.

بسیار امیدوارم طی چند سال آینده این اتفاقات رخ دهد البته تحلیل دقیق بسیار دشوار است چون عمده تحلیل‌ها در حوزه‌های مختلف سیاست بین‌الملل همچون رقابت بزرگ میان آمریکا و چین، حمایت



کتاب‌های خود عنوان می‌کند خلق و خوی مردم در تاریخ و جغرافیای آنان ریشه دارد، گذشته‌ای که به آسانی عوض نمی‌شود و تغییر آن سال‌ها به طول می‌انجامد به همین دلیل نمی‌توان ریشه تمام نارسائی‌ها را به گردن دولت انداخت.

البته دولت موظف به بسترسازی جهت تشکیل نهادها و افزایش حضور مردم در صحنه است و در ضمن می‌تواند فرهنگ سلامت و طول عمر مردم را عوض کند یا آینده ایمن‌تری برای نسل‌های آینده تأمین نماید ولی مردم نیز به عنوان یک بخش اصلی جامعه باید بخواهند وارد میدان شوند چون با کناره‌گیری و گوشه نشینی که کاری از پیش نمی‌رود.

وضعیت صنایع نساجی طی پنج ماهی که از سال ۱۴۰۳ می‌گذرد را چگونه تحلیل می‌کنید؟ این مدت به دلایل متعدد مانند سانحه سقوط هواپیمای رئیس جمهور، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری، ناآرامی‌های منطقه‌ای و ... بسیار زود گذشت و شاید هیچ‌کدام فرصت کنترل عملکردهایمان را پیدا نکردیم. صنعت نساجی مانند تمام صنایع کشور در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد و همیشه آسیب‌پذیرتر از سایر صنایع است. واقعیت این است که نساجی مانند لوزه انسان است یعنی زودتر از سایر اعضای بدن آسیب می‌بیند و دیرتر نیز بهبود می‌یابد و حتی می‌توان نساجی را به عنوان شاخص صنعت کشور در نظر گرفت به این معنا که اگر وضعیت تولید و فروش این صنعت پر

یکی از مشکلات اساسی این است که در کشور ما تمام مسائل به دولت ختم می‌شود و به همین دلیل فرایند تصمیم‌گیری و اجرا بسیار کند پیش می‌رود لذا تنها راه برون رفت دولت در امور اقتصادی، توسعه و سرمایه‌گذاری، واگذاری به بخش خصوصی است و به این ترتیب حتی در حوزه‌های زیرساخت، برق و انرژی شاهد کسری بودجه دولت نخواهیم بود. چرا دولت برخی امور را به بخش خصوصی واگذار نمی‌کند و همه چیز را در اختیار خود، نگه می‌دارد.

* برای از دست نرفتن سر رشته امور؟

رفتارهای فردی حتی در کنش‌های سازمانی نیز بروز پیدا می‌کنند. گاهی اوقات به نظر می‌رسد مدیر یک مجموعه با هزار نفر پرسنل به اندازه‌ای در کار خود متبحر و توانمند است که امور شرکت به آسانی انجام می‌شود و به همین دلیل زمان فراغت بسیاری در شرکت دارد که به مطالعه روزنامه و سایر فعالیت‌های جانبی بپردازد اما یک مدیر عامل دیگر، کلی کار دارد، مراجعان بسیاری پشت درب اتاقش به انتظار نشسته‌اند، دائماً در حال صحبت با تلفن است و به آسانی نمی‌توان با وی ملاقات کرد.

به‌عنوان یک ناظر از بیرون چه قضاوتی پیرامون این دو مدیر خواهید داشت؟ مدیر اول بیکار و «سفارش شده» تلقی می‌گردد که دیگران برایش کار می‌کنند ولی مدیر دوم بسیار توانمند و قابل به نظر می‌رسد!!! این طرز تفکر در کشور ما ریشه فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی دارد.

آقای دکتر مجتبی لشکر بلوکی در یکی از

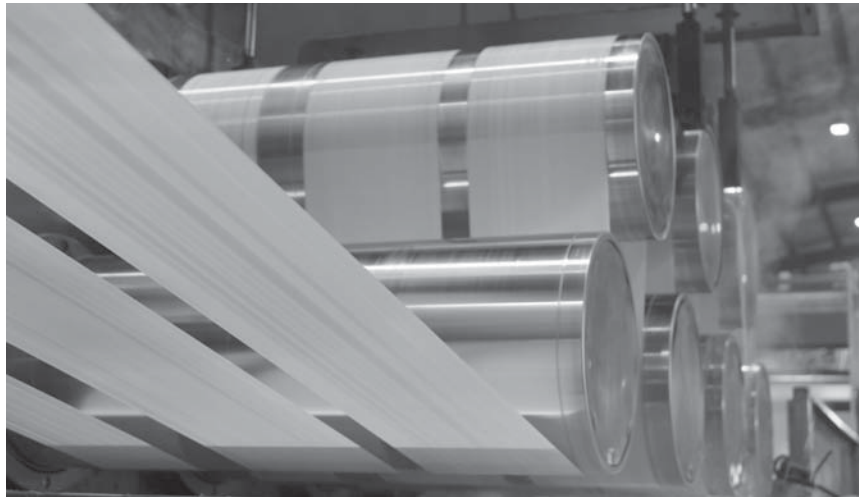
مسئولیت‌های خود را به تشکل‌ها واگذار نماید. قاعدتاً تشکل‌ها نیازمند اصلاح برخی آئین‌نامه‌ها، قواعد و اساسنامه هستند تا به قول معروف اجرایی‌تر شود. چابک‌سازی وزارت صمت (از حجم انبوه مسائل حل نشده و تقسیم یا واگذاری امور مرتبط به اتاق‌های بازرگانی و تشکل‌ها) نیز می‌تواند یکی از اقدامات مهم دولت چهاردهم باشد.

در جلسات منظم کمیسیون‌های تخصصی اتاق بازرگانی ایران، فقط و فقط «طرح مسائل» صورت می‌گیرد و گاهی پیرامون راه‌حل‌ها نیز مباحثی عنوان می‌شود اما به هیچ وجه در اجرا و تصمیم‌گیری، اختیار عمل، نقش و اثرگذاری وجود ندارد. پس ماهیت وجودی تشکیلاتی به نام اتاق بازرگانی چیست؟! باید اختیار عمل کامل به اتاق‌ها داده شود تا مسائل مرتبط را میان کمیسیون‌های تخصصی توزیع کند و پس از جمع‌بندی نظرات و پیشنهادات جهت اجرا ابلاغ گردد. در حال حاضر شاهد فعالیت شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی (ملی و استانی) هستیم که در جلسات آن با حضور مدیران ارشد سازمان‌های دولتی، تصمیمات بسیار اساسی و خوبی گرفته می‌شود ولی به اجرا در نمی‌آیند!

* چرا اجرا نمی‌شوند؟ مشکل کجاست؟

چون تصمیمات باید در بدنه دولت اجرا شوند اما بدنه بسیار سنگین دولت، انباشتی از انواع و اقسام مسائل مختلف را با خود حمل می‌کند و نمی‌تواند اولویتی برای تولید و صنعت قائل شود! یک مدیر به خوبی می‌تواند از عهده مدیریت ۲۰ نفر نیروهای انسانی خود برآید اما وقتی تعداد شاغلین به ۲۰۰ نفر رسید، دیگر مدیر نمی‌تواند بار تمام مسئولیت‌ها را به تنهایی به دوش بکشد.

ایران کشوری وسیع با جمعیت فراوان، قومیت‌های مختلف و تنوع صنعتی و منابع طبیعی بسیاری است و دولت هر اندازه توانمند باشد نمی‌تواند پاسخگوی تمام مسائل و مشکلات باشد پس باید بخشی از وظایف خود را به نهادهای خصوصی واگذار نماید. تشکل‌ها برای اداره امور محوله تمام تجربیات، تخصص و سوابق تاریخی خود را به میدان می‌آورند و اعتبار و روابط خود را در حوزه بین‌الملل هزینه می‌کنند.



رقیب بیشتر است و هیچ مزیتی نداریم؟ چرا ترکیه می‌تواند الیاف خود را به سایر کشورها صادر کند ولی ما نمی‌توانیم؟ چرا چین قادر به فروش محصولاتش در سطح جهانی است ولی ما نمی‌توانیم؟ چرا بلاروس و ازبکستان توان صادرات نخ دارند اما واحدهای ریسندگی ما چنین قدرتی ندارند؟ در آنالیز بهای تمام شده «مواد اولیه»، «حقوق دستمزد و حامل‌های انرژی» و «هزینه‌های مالی همچون مالیات و...» سه شاخص مهم هستند.

در شاخص حقوق و انرژی نسبت به سایر کشورهای رقیب، وضعیت مناسب‌تری داریم اما پاشنه آشیل صنعت ما، موضوع «مواد اولیه» و «هزینه‌های مالی دولتی» هستند و هرگاه موفق به حل چالش‌های این دو بخش شدیم، مزیت‌های رقابتی خود را به دست خواهیم آورد.

در موضوع مواد اولیه، سیاست‌های ارزی و پولی مملکت نقش اساسی را ایفا می‌کنند چندنرخ بودن ارز باعث شده هیچ نرخ مشخصی برای مواد اولیه نداشته باشیم برای مثال قیمت پایه چپس پلی‌استر در بورس کالا ۲۹ هزار و ۸۰۰ تومان است، اما آن را تا قیمت ۴۶ هزار تومان در رقابت بیش از ۵۰ درصدی از بورس خریداری می‌کنیم و این رقم در هفته‌های بعدی به ۶۰ درصد هم می‌رسد؛ پس شرایط به هیچ عنوان ثابت و مستمر نیست و چرایی آن را نمی‌دانیم! مواد اولیه را به قیمت ۴۶ هزار تومان می‌خریم و با توجه به کسری چپس پلی‌استر، واردات با ارز نیمایی انجام می‌دهیم که قیمت مواد اولیه را ۵۴ هزار تومان می‌رساند.

با این اوصاف امکان رقابت با ترکیه، بلاروس و چین باقی می‌ماند؟ براساس کدام نرخ جلو برویم؟ با واردات ۵۴ هزار تومانی؟ با قیمت بورس ۴۶ هزار تومانی یا قیمت پایه ۲۹ هزار تومانی؟ در هنگام صادرات، محصول را به چه نرخ بفروشیم؟ با نرخ رفع تعهد ارزی ۴۲ هزار تومانی؟ با نرخ صرفی ۵۵ هزار تومان یا نرخ بازار آزاد ۶۰ هزار تومانی؟ این همه سردرگمی باعث شده به عنوان یک تولیدکننده نتوانیم به صادرات الیاف ادامه دهیم.

پس ۵۰ درصد معضل ما (تولیدکنندگان) فعالیت در چنین شرایط نامساعدی است و ۵۰ درصد نیز

توجهی به اثربخشی نمایشگاه‌های تخصصی ندارد و صرفاً مجوز برگزاری نمایشگاه را می‌دهد. شاید برای صنعت ساختمان، قیر و آسفالت، نفت و انرژی فصل تابستان زمان مناسبی برای برپایی نمایشگاه باشد ولی این مورد اصلاً در مورد صنعت نساجی صدق نمی‌کند.

***شرایط تولیدکنندگان و فعالان الیاف چگونه است؟ برخی صنعتگران سایر رشته‌ها معتقدند الیافی‌ها، از نظر حجم تولید، فروش و گستردگی بازار، وضعیت خوبی دارند!**

وقتی وضعیت واحدهای ریسندگی و بافندگی مطلوب باشد، وضع الیافی‌ها هم خوب است. وقتی حوزه صادرات پر رونق و توانمند است ما هم در شرایط مساعدی به سر خواهیم برد. در شبکه پیچیده صنایع نساجی که یک بخش نمی‌تواند به تنهایی شرایط مساعدی داشته باشد در حالی که سایرین به سختی روزگار می‌گذرانند. پس موافق این کنایه که «الیافی‌ها وضعیتشان خوب است»، نیستم! شاید در مقایسه با پوشاک یک کالای قاچاق پذیر نباشد و با مانند پارچه به صورت ته لنجی وارد کشور نشود ولی چالش‌های خاص خود را دارد.

***در حال حاضر مهم‌ترین معضل صنایع نساجی کمبود و گرانی مواد اولیه است؟**

پرسش خوبی است... ببینید سوال بزرگ در صنعت الیاف و نخ این است که چرا بهای تمام شده الیاف و نخ تولیدی کشور نسبت به بازارهای کشورهای

رونق باشد، بیانگر حرکت رو به رشد صنایع و اقتصاد مملکت است و در مقابل اگر نساجی روند نزولی خود را طی کند حتماً بقیه صنایع نیز با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند.

طبق آمار، ۴۰ درصد نسبت به گذشته با افت عملکرد (تولید، خرید، فروش و...) روبرو هستیم از نظر توسعه نیز نزدیک به صفر بوده‌ایم و اغلب پروژه‌های توسعه‌ای یا متوقف شده‌اند یا حرکت بسیار کندی دارند. در اینجا بی‌مناسبت نیست انتقاد خود را نسبت به برگزاری نمایشگاه نساجی تهران در فصل بسیار نامناسب اشاره کنم.

بهترین زمان برای برگزاری نمایشگاه نساجی فصل پاییز (آذر ماه) است نه تابستان (مردادماه) چون نساجی صنعتی است که در سه ماه پایانی سال پیک تقاضای آن بالاست و افراد در نمایشگاه به ارزیابی جدید، به روز رسانی اطلاعات و همگرایی با سایر فعالان نساجی می‌پردازند.

در مرداد امسال شاهد برپایی نمایشگاه نساجی تهران هستیم ولی اولاً چشم‌انداز مشخص و روشنی وجود ندارد که در مورد آن تصمیم‌گیری صورت گیرد به همین دلیل قادر نیستیم به توافق، هماهنگی و همگرایی با همدیگر برسیم و اگر هم به چشم‌انداز مشترکی برسیم با فرا رسیدن فصل پاییز، شرایط و درخواست‌ها به طور کامل تغییر می‌کند.

به هر حال حضور در نمایشگاه زمان، انرژی و منابع مالی یک صنعتگر را به خود اختصاص می‌دهد و برگزاری نمایشگاه در یک زمان نامناسب تمام این هزینه‌های مادی و معنوی را از بین می‌برد. دولت

به هزینه‌های مالی اختصاص دارد. از زمان خرید مواد اولیه در بورس کالا تا فروش محصول، سه ماه هزینه می‌پردازیم! یک ماه زمان می‌برد تا پتروشیمی تندگویان سفارش ما را تحویل دهد، یک‌ماه به فرایند تولید و تنظیم‌گری و سفارشات اختصاص پیدا می‌کند و یک‌ماه مختص آماده‌سازی سفارشات مشتریان است بنابراین سه ماه هزینه مالی‌بخش سالیانه حداقل ۴۳ تا ۴۴ درصد است (ماهانه حداقل ۴ درصد) در حالی که رقابت بین‌المللی بر پایه ماهیانه یک درصد شکل می‌گیرد! ما چطور می‌توانیم با هزینه مالی ماهیانه ۴ درصدی به رقابت بپردازیم؟ تمام این زنجیره (که سر رشته آن به‌عنوان سیاستگذار، تأمین‌کننده و تخصیص‌دهنده ارز، تنظیم‌کننده سیاست‌های بورس، گمرک، بانک مرکزی برای هزینه‌های مالی و تسهیلات در دست دولت است) باعث شده هیچ مزیت رقابتی نداشته باشیم. بطورکل یعنی سیاستها و روشهای دولت، مزیت رقابتی را از تولید کننده می‌گیرد.

***در این جریانها، تحریم‌های خارجی چه تأثیراتی دارند؟**

تحریم‌های بین‌المللی بر عملکرد یک شرکت خصوصی با تکیه بر روش‌ها، اعتبارات و روابط شخصی در زنجیره تأمین، چندان اثرگذار نیست اما مهم‌ترین اثرات جانبی این تحریم‌ها در «حمل و نقل به موقع» و «نقل و انتقالات پولی» نمایان می‌شود. برای مثال قادر به خرید ۵ هزار تن چپیس پلی‌استر با ال سی ۱۲ ماهه و سالیانه حدود ۱۰ درصد هزینه مالی هستیم اما به دو دلیل این کار را انجام نمی‌دهیم. نخست این که تحریم‌ها اجازه گشایش اعتبار (ال سی) به ما نمی‌دهد. از سوی دیگر حتی در صورت گشایش اعتبار، تلاطم و نوسانات شدید نرخ ارز امکان به‌رهمندی از این اعتبارات را از بین می‌برد و شاهد هستیم که چندین شرکت گرفتار تسویه این نوع معاملات بلند مدت ارزی گردیده‌اند.

***تکنولوژی خطوط تولید و ماشین‌آلات واحدهای تولید الیاف در چه وضعیتی به سر می‌برند؟ آیا ماشین‌آلات این بخش به روز هستند و مورد**

نوسازی و بازسازی قرار گرفته‌اند؟
در حوزه تولید الیاف به دلیل فرایند محور بودن، سطح تکنولوژی و دانش فنی موجود در کارخانه‌ها نسبتاً قابل قبول است و تا حدودی نیاز تولیدکنندگان را برطرف می‌کند اما این تکنولوژی از دو منظر در حوزه مزیت‌های رقابتی بازار ما را زمین‌گیر کرده است. بحث اول، تنوع تولید است. الیاف در جهان انواع و اقسام مختلفی دارد که متأسفانه دسترسی تکنولوژیکی به آنها نداریم و هزینه‌های سرمایه‌گذاری آنها به قدری بالاست که می‌توان گفت از قافله این بازار جا مانده‌ایم به نحوی که ۱۰ سال آینده صنعت نساجی نیاز اساسی به الیاف دیگری پیدا می‌کند که به دلیل عدم تولید و سرمایه‌گذاری در ایران، مجبور به واردات آنها هستیم.

نکته بعد مسائل کمی تولید است. در حالی که تولید الیاف ایران در مقیاس کوچک قرار دارد حجم تولید روزانه الیاف پلی‌استر در یک کارخانه معمولی پاکستان حدود ۱۲۰۰ تن است و در مقابل تولید روزانه بزرگ‌ترین کارخانه تولیدکننده الیاف در ایران ۷۰ تن است. کجای کار هستیم؟! به این نکته هم اشاره کنم که خوشبختانه دانش فنی، تخصص و تجربه تولید الیاف در کشور بسیار ارزشمند می‌باشد هر چند در این بخش نیازمند روز رسانی هستیم.

***در مورد فعالیت‌ها و تولیدات پلی‌ویتال برایمان بگویید. آیا محصول و ایده جدیدی به بازار الیاف عرضه کرده است؟**

پلی‌ویتال روند نسبتاً خوبی را پیش گرفته و امسال نیز برنامه‌ریزی‌های موثری در حوزه افزایش ظرفیت تولید (۳۰ تا ۴۰ درصد) و تنوع محصولات تدوین کرده است.

وارد بازارهای صادراتی شده‌ایم و شاهد اتفاقات خوبی در این بخش هستیم. برای اولین بار در ایران الیاف کول‌مکس را تولید کرده‌ایم و به امید خداوند در نمایشگاه نساجی تهران به واحدهای ریسندگی معرفی خواهیم کرد. در صنایع بالادستی نساجی مانند نخ و الیاف، ۳ عامل «کیفیت»، «قیمت» و «دسترسی» هنگام خرید بسیار تعیین‌کننده هستند.

تصمیم داریم ضمن حفظ رضایتمندی مشتریان به ارائه محصول با قیمت رقابتی بپردازیم و در واقع رویکرد اصلی پلی‌ویتال تمرکز بر این موضوع می‌باشد.

***تولید الیاف در ایران اشباع شده یا هنوز نیازمند راه‌اندازی کارخانجات جدید هستیم؟**

فکر می‌کنم نقطه تعادلی مثبت (رو به اشباع) با بازار دارد. اگر امروز بخواهیم وارد صنعت الیاف شویم باید با هدف‌گذاری اساسی و مزیت‌های فراتر از شرایط موجود در این صنعت حضور یابیم. یک مجموعه جدید باید با ظرفیت و کیفیت بالاتر، تکنولوژی به‌روزتر و مدل‌های مالی و اقتصادی قدرتمندتر وارد میدان شود.

***مطلب نهایی**

یکی از دغدغه‌های اصلی مردم در این روزها، ترس از فقر است. مملکت ما به سوی فقر شیب پیدا کرده و این تهدید و خطر بسیار بزرگی محسوب می‌شود. شاید فقر به صورت عمومی و عرفی به مفهوم «نداری» معنا کند ولی فقر این نیست که غذایی برای خوردن یا لباس مناسبی برای پوشیدن نداشته باشیم چون معتقدم یک کارخانه‌دار می‌تواند فقیر باشد، همان‌طور که یک مهندس یا مدیر و کارمند نیز می‌توانند فقیر باشند، این فقر هنگامی آزاددهنده است که فرد در عین قابلیت و لیاقت، نمی‌تواند کار خود را انجام دهد. یک مدیر تمایل بسیاری به توسعه کارخانه، افزایش حقوق کارگران، استفاده از انرژی پاک و نیز حفاظت از محیط زیست، حضور در بازارهای جهانی و افتخارآفرینی برای هموطنان را دارد اما نمی‌تواند... ما نباید فقیر باشیم، باید کار درست انجام دهیم و بزرگی خود را از این رهگذر به دست آوریم. اگر کارمان را درست انجام ندهیم فقیر خواهیم ماند، پس نقش ما مردم در هر سطحی کار کردن صحیح است. باید فقیر نباشیم و کمک کنیم مردم به فقر عادت نکنند.

در پایان از زحمات دست‌اندرکاران مجله وزین نساجی امروز بابت اطلاع‌رسانی به‌موقع و بیان مشکلات این صنعت سپاسگزارم.